

کتاب یوئیل و کلیسای ادونتیست‌های روز هفتم لاودیکیه‌ای - شماره چهار و سوم

Jeff Pippenger

2026-02-09

شمارهٔ چهار و سه

نماد ترکیب هشتاد کاهن انسانی با کاهن اعظم الهی، عدد «۸۱» است؛ همان‌جایی که در کتاب «نوشته‌های اولیه» خواب میلر را می‌یابیم. در مکاشفه «۸۱» می‌یابیم که چون واپسین مهر برداشته شود، در آسمان برای نیم ساعت سکوت برقرار می‌گردد. حقیق ۲:۲۰ می‌گوید که همه زمین باید خاموش بماند، هنگامی که خداوند در هیکل مقدس خویش است.

و هنگامی که مهر هفتم را گشود، در آسمان سکوتی برای مدتی قریب به نیم ساعت برقرار شد. مکاشفه ۸:۱

گشوده شدن مهر هفتم در آن سی روز رخ می‌دهد، زیرا آخرین مهر است. در 31 دسامبر 2023، فرایند رستاخیز استخوان‌های حزقیال آغاز شد. آنگاه مسیح به مدت چهار روز به تعلیم پرداخت. آن تاریخ نشانگر پایان 1,260 روز از زمان ناکامی 18 ژوئیه 2020 بود، و یوحنا در مکاشفه باب یازدهم به ما اطلاع می‌دهد که باید هیکل را اندازه‌گیری کنیم، اما صحن را کنار بگذاریم. صحن با پایان پراکندگی خاتمه می‌یابد، زیرا یوحنا به ما خبر می‌دهد که 1,260 روز به امت‌ها، که همان صحن‌اند، داده شده است. هنگام اندازه‌گیری، آن برهه تاریخی باید مستثنا گردد.

وقتی میلر بیدار می‌شود و مردِ جاروی گرد و خاک را می‌بیند، اتاق خالی است، و چون صدای خود را بلند می‌کند، میلر همچنان در بیابان است. از تاریخ رستاخیز تا اندکی پیش از قانون یکشنبه، مسیح در حال برپا ساختن هیکل یکصد و چهار و چهار هزار است، چنان‌که در چهار و شش سال، از 1798 تا 1844، چنین کرد.

هنگامی که تعلیمش را آغاز می‌کند، او در هیکل خویش مشغول کار است، به‌ویژه در آن سی روز. آنگاه فرشتگان برای سی دقیقه خاموش می‌مانند، در حالی که او به کاهنان خویش - که همان سیصد واعظ پیرو میلرند - تعلیم می‌دهد، یا سپاه او که همان سیصد نفر جدعون‌اند، یا در حالی که سیصد نمودار ۱۸۴۳ را منتشر می‌کند؛ و او همه اینها را در طی آن سی روز، از پایان عید فطیر تا پیغام شیپورها، به انجام می‌رساند. او در حال جارو کردن کف اتاق میلر است، اما آن کف از آن اوست؛ پس اتاق میلر هیکل اوست. او در حال به پایان رساندن کار محو گناهان یا نام‌های کسانی است که به‌عنوان نامزد برای قرار گرفتن در زمره یکصد و چهار و چهار هزار فراخوانده شده بودند.

پیام شیپور که پنج روز پیش از صعود و ده روز پیش از داوری می‌آید، سنگ محک است. آنچه در سی دقیقه سکوت آسمان رخ می‌دهد، یا در سی روز تعلیم کاهنان به‌دست مسیح، به هنگام زده شدن مهر در طی سه مرحله شیپور، صعود و داوری، پیشاپیش دو گروه را پدید آورده است. دیدن این امر ساده است.

اگر به نقطه‌ای برسید که می‌بایست بانگ پیام کرنا را برآوردید و از برآوردن آن بانگ سر باز زنید، ناکام می‌مانید.

سه گام «نفخ صور، صعود و داوری»، همان یک نشانه راه‌اند که در سه گام پدیدار می‌شود؛ چنان‌که در آغاز تاریخ نیز یک نشانه راه با «مرگ، تدفین و قیام» نمایانده شد. آزمون سه مرحله‌ای پایان، محکی تعیین‌کننده است که پنج روز پیش از قانون یکشنبه پنتیکاستی رخ می‌دهد.

پنج روز پس از رستاخیز، پایان عید فطیر فرا می‌رسد، و آن مجمع مقدس نشانه نخستین و بنیادین آزمون سال ۲۰۲۴ است. آیا نان آسمان را خواهید خورد یا نان استدلال بشری را؟ آن آزمون در ۲۰۲۴ فرا رسید، و پیش‌تر به گونه‌ای نمونه‌وار به وسیله طغیان بنیادین آدم و حوا، نمرود، هارون، یربعام، قورح و یاغیان او، پروتستان‌های تاریخ میلریتی، طغیان آلفای جان هاروی کلاگ، طغیان ۱۸۸۸ و البته طغیان ۱۱ سپتامبر، به تصویر کشیده شده بود. طغیان بنیادین قابیل، حاکی از مسئله حسد نسبت به برادرت است، و این مضمون در سراسر سلسله طغیان‌های بنیادین امتداد می‌یابد.

همه نمونه‌های تمرد بنیادین، تمرد بر ضد خدا هستند؛ اما برخی، مانند شورشیان سال ۱۸۸۸ و شورشیان قورح، متضمن این حقیقت‌اند که پیام‌آور برگزیده جزئی از آزمون است. رد تشخیص میلر مبنی بر اینکه این روم است که در دانیال ۱۱:۱۴ رؤیا را استوار می‌کند، رد هم پیام و هم پیام‌آور است. این آزمون بنیادین است، زیرا نه تنها میلر پدر غارتگران مذکور در آیه چهاردهم را روم شناسایی کرد، بلکه میلر پسر نیز چنین کرد.

پنج روز پس از رستاخیز ۳۱ دسامبر ۲۰۲۳، خدمت تعلیمی تدارکی میلر به دست آن که پس از یوحنا آمد بر عهده گرفته شد. برای سی روز، تعلیمات ویژه‌ای به پرستندگان در هیکل، از سوی مسیح، «رو در رو» اعطا می‌شد. آن تدارک بدین منظور بود که کهانتی هشتاد نفری مهیا گردد تا پیام هشدارآمیز عید شیپورها را اعلام کند.

آن آمادگی سی‌روزه، در آغاز مشتمل است بر یک آزمون نخستین بنیادین و در پایان بر یک آزمون دوم هیکل. آزمون دوم هیکل، پیش از آن‌که کرناها نواخته شوند، به پایان می‌رسد؛ و بدین‌سان این نکته در رؤیای میلر بازنموده شده است، آنگاه که مسیح گوهرها را درون صندوقچه افکند. و پس از این کار است که او میلر را به «بیا و ببین» فرامی‌خواند. در فاصله‌ی میان هشدار کرناها تا صعود به سوی داوری است که آن علم، پیش از قانون یکشنبه، برافراشته می‌شود. همه‌ی گوهرها، پیش از آن‌که میلر به «بیا و ببین» فراخوانده شود، در هیکل‌اند؛ و هنگامی که دو شاهد در ابرها بالا برده می‌شوند، دشمنان‌شان ایشان را می‌بینند.

پیشگویی آنان درباره حمله‌ای از جانب اسلام که در سال ۲۰۲۰ به وقوع نپیوست، بناست پس از تصحیح، تکرار شود؛ همان‌سان که در مورد فریاد نیمه‌شب حقیقی اسنو رخ داد. میلر فهمی داشت که آن را «فریاد نیمه‌شب» می‌نامید، اما ساموئل اسنو پیام فریاد نیمه‌شب میلر را تصحیح کرد و از این رو، پیام فریاد نیمه‌شب اسنو در تاریخ جنبش میلریتی «فریاد نیمه‌شب حقیقی» نامیده می‌شود. پیام فریاد نیمه‌شب، پیامی است که تصحیح شده و به واسطه همان تصحیح قوت یافته است.

نامیدان از کتاب مقدس دریافتند که در زمان تأخیر هستند و باید با شکیبایی منتظر تحقق رویا بمانند. همان شواهدی که آنان را بر آن داشت در سال ۱۸۴۳ در پی خداوند خود باشند، آنان را بر آن داشت در سال ۱۸۴۴ چشم‌به‌راه او باشند. نوشته‌های نخستین، ۲۴۷.

این پدیده در پایان دوره ۱۸۴۰ تا ۱۸۴۴ رخ داد، و در آغاز همان دوره نیز پدید آمد. جوزیا لیچ در سال ۱۸۴۰ تحقیقی را در ارتباط با اسلام پیش‌بینی کرد. او پیش‌بینی خود را در سال ۱۸۳۸ در سوابق عمومی ثبت کرد و سپس ده روز پیش از ۱۱ اوت ۱۸۴۰ آن را تصحیح نمود. تحقق پیش‌بینی تصحیح‌شده به پیام فرشته نخست قدرت بخشید. پیام دوم به وسیله پیام تصحیح‌شده فریاد نیمه‌شب قدرت یافت. دو شاهد از یک تاریخ‌اند که یکی شاهد آفاست و دیگری شاهد امگا. آنان با هم

قدرت یافتن پیامی را که بر تصحیح پیامی پیشین مبتنی است، مشخص می‌کنند.

آلفا نشانگر نبوتی دربارهٔ اسلام است و أمگا نشانگر نبوتی دربارهٔ در بسته است. مطابق اصل «خط بر خط»، اسلام ۱۸۴۰ و در بسته ۱۸۴۴، اسلام و در بسته را به عنوان پیام فریاد نیمه شب معرفی می‌کنند. در آغاز پیام، اسلام از بند رها می‌شود، همچون در ورود ظفرمندان مسیح. در آن مقطع، در مثل ده باکره بسته می‌شود، چنان‌که در بر داوری خانه خدا بسته می‌شود. در پایان پیام، اسلام بار دیگر ضربه می‌زند، در حالی که در بر ایالات متحده بسته می‌شود.

مهم است دریابیم که خطی که از لاویان باب بیست و سه حاصل می‌شود، سه گام عید فصیح را در آغاز و سه گام کاهنان را در پایان معین می‌سازد. کاهنان در هنگام قانون یکشنبه به منزله قربانی برافراشته می‌شوند، لیکن پیش از آن واقعه تطهیر می‌گردند. آنگاه که برافراشته می‌شوند، آنان رایت‌اند، و چون مسیح در سه گام آغازین آن خط برافراشته شد، همه جهان را به سوی خویش کشید. برافراشته شدن یکصد و چهل و چهار هزار، پایان آن خط است که با برافراشته شدن مسیح آغاز شد. در هر دو، در آغاز و در انجام، یک نشانه راه سه مرحله‌ای شناسایی می‌شود.

سه گام در آغاز که پس از آن پنج روز می‌آید، و سه گام در انجام که پس از آن پنج روز می‌آید. از آن نقطه به بعد، روایت درباره جماعت عظیم است، زیرا کهنوت به منزله رایت یک‌صد و چهل و چهار هزار استوار گشته است. هفت روز عید خیمه‌ها دوره‌ای برای امت‌هاست. اگر زمان امت‌ها را که از قانون یکشنبه آغاز می‌شود کنار بگذاریم، و نیز سه و نیم روزی را که در ۲۰۲۳ پایان یافت، آنگاه هیکل یک‌صد و چهل و چهار هزار در درون پنجاه روز فصل پنتیکاست، از ۳۱ دسامبر ۲۰۲۳ تا قانون یکشنبه‌ای که به زودی فرامی‌رسد، بازنموده می‌شود.

پنج روز از رستاخیز برای دوشیزگان، و سی روز متعاقب برای کاهنان. سپس پنج روز ندای شیپور از سوی دوشیزگان، که با صعود ایشان، آنگاه که چهل روز به پایان می‌رسد، خاتمه می‌یابد؛ و پس از آن پنج روز تا داوری، و پس از آن پنج روز تا قانون یکشنبه. به مثابه نماد دوشیزگان، عدد «۵» گام‌های یکصد و چهل و چهار هزار را می‌نمایاند؛ آنان که دوشیزگان‌اند و نیز کاهنان‌اند.

در طی سی روز تعلیم، مهر نهایی و هفتم گشوده می‌شود، و در همان دوره است که میلر بازآورده شدن جواهر را می‌بیند. «بیا و ببین» نمادی است مبتنی بر چهار مهر نخست؛ از این رو، هنگامی که مهر هفتم گشوده شد، به میلر گفته شد: «بیا و ببین»، اما فرشتگان آسمان همگی در سکوت تنها نظاره می‌کنند. رؤیای میلر، مهر شدن جواهر—که همان یکصد و چهل و چهار هزارند—را شناسایی می‌کند، و نیز جواهری را که پیام فریاد نیم‌شب را تشکیل می‌دهند، مشخص می‌سازد. آن پیام نیرویی را به باکره‌ها منتقل می‌کند که مهرگذاری را به انجام می‌رساند، و مرد جاروی خاک آن یگانه را که هم بر فرستادگان و هم بر پیام اختیار دارد، معرفی می‌کند.

سال ۲۰۲۴ نمایانگر آزمون بنیادین است، و اکنون در سال ۲۰۲۶ آزمون هیکل فرارسیده است. اکنون در دوره سی‌روزه‌ای هستیم که در آن مسیح تعلیم می‌دهد، و شناختن این واقعیت مهلک است.

شناخت پیام و پیام‌آور، یکی از عناصر آزمون بنیادینی بود که در استقرار رؤیا از سوی روم بازنموده می‌شد، و نیز یکی از عناصر داستان ایلیا و آخاب است.

و در سال سی و هشتم آسا، پادشاه یهودا، آخاب پسر عمری بر اسرائیل آغاز به پادشاهی کرد؛ و آخاب پسر عمری در سامره بر اسرائیل بیست و دو سال سلطنت نمود. و آخاب پسر عمری در نظر یهوه، بیش از همه آنان که پیش از او بودند، بدی کرد. و چنین شد که گویی برای او کار سبکی بود که در گناهان یربعام پسر نباط سلوک کند، زیرا ایزابل دختر ایتبعل، پادشاه صیدونیان را به زنی گرفت و رفته، بعل را خدمت کرد و او را پرستید. و برای بعل در خانه بعل، که در سامره بنا کرده

بود، قربانگاهی برافراشت. و آخاب اُشیره‌ای نیز برپا کرد؛ و آخاب بیش از همه پادشاهان اسرائیل که پیش از او بودند، یهوه، خدای اسرائیل را به خشم آورد. در ایام او، حئیل بیت‌ئیلی آریحا را بنا کرد: بنیاد آن را به بهای آبیرام، نخست‌زاده خویش نهاد، و دروازه‌هایش را به بهای سیگوب، کوچک‌ترین پسرش برپا ساخت، بر وفق کلام یهوه که آن را به زبان یوشع پسر نون گفته بود. و ایلایای تشبی، از ساکنان جلعاد، به آخاب گفت: «به حیات یهوه، خدای اسرائیل، که در حضور او ایستاده‌ام، در این سال‌ها جز به کلام من نه شبنم خواهد بود و نه باران.» اول پادشاهان ۱۶:۱-۱۷:۱

اعدادی که با آخاب پیوند دارند به سیاق این بخش می‌افزایند. «سی‌وهشت» نمایانگر «برخاستن» است. به اسرائیل فرمان داده شد که در سال سی‌وهشتم «برخیزد» و به سرزمین موعود وارد شود.

اکنون برخیزید، گفتم، و از نهر زرد بگذرید. و ما از نهر زرد گذشتیم. و مدتی که از قادش‌برنیک بیرون آمدیم تا از نهر زرد گذشتیم، سی و هشت سال بود؛ تا آنکه تمامی آن نسل مردان جنگی، چنان‌که خداوند به ایشان سوگند یاد کرده بود، از میان اردوگاه برکنده شد. تثیبه ۱۳:۲، ۱۴

عیسی مرد مفلوج سی‌وهشت‌ساله را، هنگامی که به او فرمود: «برخیز»، شفا داد.

و در آنجا مردی بود که سی‌وهشت سال دچار بیماری بود. چون عیسی او را دید که خوابیده است و دانست که مدت درازی است در آن حال بوده، بدو گفت: آیا می‌خواهی شفا یابی؟ آن مرد ناتوان بدو پاسخ داد: ای آقا، کسی را ندارم که چون آب به حرکت می‌آید، مرا در حوض بگذارد؛ لیکن تا من برسم، دیگری پیش از من داخل می‌شود. عیسی بدو گفت: برخیز، بستر خود را بردار و راه برو. و در همان دم آن مرد شفا یافت و بستر خود را برداشت و راه رفت؛ و همان روز، روز سبت بود. یوحنا ۵:۵-۹.

یوشیا لیچ در سال ۱۸۳۸ پیشگویی‌ای کرد که آن را در سال ۱۸۴۰ تنقیح نمود. سال سی‌وهشتمی که موسی در سفر تثیبه بدان اشاره می‌کند، همان سال چهلیم نیز بود. فرایند دو مرحله‌ای یوشیا لیچ با احیای دو مرحله‌ای همانامش، پادشاه یوشیا، موازات داشت. اعداد ۳۸ و ۴۰ در نسبت با یکدیگر، دلالت بر برخاستن دارند؛ و این همان امری است که بر دو شاهد واقع می‌شود، آنگاه که به میان ابرها برکشیده می‌شوند.

در مورد لیچ، برافراشتن به وسیله پیام اسلام مربوط به وای دوم به انجام رسید. آن برافراشتنی که با عروج مسیح مشخص می‌گردد، پس از پیام کرنا درباره اسلام می‌آید. آن دو گام نخست از نشانه راه کرنا، عروج و داوری به وسیله لیچ تمثیل یافته بود؛ و دو گام او نیز به نوبه خود به وسیله احیا و اصلاح دو مرحله‌ای پادشاه یوشیا تمثیل شد. در تثیبه فرمان این بود که برخیزید و به سرزمین موعود داخل شوید، و برافراشتن را به هنگام قانون یکشنبه همان وعده بعینه است.

آخاب بیست‌ودو سال سلطنت کرد؛ از این‌رو، او در دوره‌ای سلطنت می‌کند که در آن الوهیت با انسانیت متحد می‌گردد، یعنی همان دوره سی‌روزه‌ای که بر پیام شیپور مقدم است. آخاب همان ترامپ است که در آینده‌ای بسیار نزدیک با ایزابل ازدواج خواهد کرد. در دوره ترامپ، تنها ایلایا حامل پیام باران است. این واقعیت بنیادین است، زیرا جنبش صد و چهل و چهار هزار، جنبش روش‌شناسی «خط بر خط» است؛ و آن روش‌شناسی بر این حقیقت بنیادین استوار است که نهضت اصلاحی صد و چهل و چهار هزار از سوی هر نهضت اصلاحی تاریخ مقدس تمثیل شده است. در هر یک از آن نهضت‌ها، رهبران بخشی از فرایند آزمایش بودند. هر بار.

آخاب هفتمین پادشاه پس از یربعام است، و ما بارها نشان داده‌ایم که آخاب در خلال بحران قانون یکشنبه نمایانگر دولت است. نشان داده‌ایم که کلیسای ادونتیست روز هفتم لاودیکی در سال ۱۸۶۳ آریحا را دوباره بنا کرد و این امر برای خانواده وایت به بهای از دست دادن بزرگ‌ترین و کوچک‌ترین

پسرانشان تمام شد و نماد اریحا در هنگام قانون یکشنبه بود. سال ۱۸۶۳ نمونه قانون یکشنبه است.

این فراز سرشار از نمادهاست که آن دوره را به منزله مهرشده صد و چهل و چهار هزار معرفی می‌کند، و در همان دوره، رد فهم میلر از حقیقتی که بر لوح ۱۸۴۳ حقوق نهاده شده بود، عصیانی بنیادین است که دربرگیرنده بی‌اعتنایی به فرستاده برگزیده خداست، ذیل همان بهانه‌ای که شورشیان قورح و شورشیان ۱۸۸۸ مطرح کردند؛ همانان که مدعی بودند تمام جماعت مقدس‌اند.

اکنون در آزمون هیکل قرار داریم، زمانی که پنجره‌های آسمان به همراه در تدبیری گشوده می‌شوند. این در تدبیری، گذار کاهنان را از لاودکیه به کاهنان فیلاولفیه معین می‌سازد. این، جدایی جواهرات جعلی و اصیل رؤیای میلر را معین می‌سازد. پنجره‌ها لعنت یا برکت را مشخص می‌کنند. ملاکی باب سوم، این آزمون را بر بازگشت بنا می‌نهد. رؤیای میلر بر اعاده هر دو، هم کهنات و هم پیام، تأکید می‌کند. مکاشفه باب نوزدهم، لشکر خداوند را شناسایی می‌کند؛ لشکری که هنگامی برانگیخته می‌شود که پیش‌گویی یک پیام شیپوری اسلام تحقق یابد.

آزمونی که بر سنگ محک پیام شیپور مقدم است، دومین آزمون است، و آن همان آزمون هیکل می‌باشد. رؤیای میلر موجب تضاعفی می‌شود که همواره با آزمون دوم ملازمه دارد، زیرا در رؤیای میلر جواهرات هم پیام‌ها و هم پیام‌آوران‌اند. آزمون هیکل مستلزم به‌کار بستن روش «خط بر خط» باران پسین است. این امر اقتضا می‌کند که کاهنان، در خطوط گوناگون نبوت، هیکل را ببینند تا پیام‌ها را هم‌تراز سازند. صندوقچه بزرگ‌تر مرد خاک‌روب، هیکل یکصد و چهل و چهار هزار است؛ و انبار ملاکی نیز همان است. قلب اثاثه هیکل، تابوت عهد است؛ همان که کرویبان سایه‌گستر پیوسته بدان می‌نگرند و بدین‌سان قانون توجه همه موجودات مقدس را برجسته می‌سازند. مقدسان در این دوره از تاریخ باید به هیکل بنگرند و به درون تابوت چشم بدوزند.

هیکل یکصد و چهل و چهار هزار موضوع لاویان باب بیست‌وسوم است و خطی تاریخی را ارائه می‌کند که در زمان مسیح با آنچه خواهر وایت آن را «موسم پنطیکاستی» می‌نامد تحقق یافت. از رستاخیز تا پنطیکاست، یا از ۳۱ دسامبر ۲۰۲۳ تا قانون یکشنبه، خط نبوی لاویان باب بیست‌وسوم هیکل یکصد و چهل و چهار هزار را نمایندگی می‌کند. آن تاریخ با نشانه راهی سه‌مرحله‌ای آغاز می‌شود که پنج روز در پی آن است، و با نشانه راهی سه‌مرحله‌ای که پنج روز در پی آن می‌آید پایان می‌پذیرد. در میانه تواریخ آلفا و امگا، سی روز مهر کردن کاهنان قرار دارد. آن خط کلی با سبت روز هفتم آغاز می‌شود و با سبت سال هفتم پایان می‌یابد. در این سطح، هیکل یکصد و چهل و چهار هزار همان کشتی است که هشت نفس را به زمین نو شده حمل خواهد کرد، و نیز تابوت عهدی است که به وسیله دو فرشته مظلّل است؛ همان‌گونه که آن دو سبت، بر هیکل کهنات یکصد و چهل و چهار هزار—که با موسم پنطیکاستی نمایانده شده است—سایه می‌افکنند.

سفر لاویان، فصل بیست‌وسوم، درباره کهنات یکصد و چهل و چهار هزار است در خلال تجلی نهایی دوره پنطیکاست، دوره‌ای که با رستاخیز مسیح آغاز شد و تا پنجاه روز بعد، در روز پنطیکاست، ادامه یافت. دوره پنطیکاست هنگامی تعیین می‌یابد که بیست‌ودو آیه نخست لاویان فصل بیست‌وسوم با بیست‌ودو آیه پایانی آن در تطابق قرار داده شوند. رویای ویلیام میلر نشان می‌دهد که گوهرهای کلام خدا هم پیام‌اند و هم پیام‌آوران.

"من فرصت‌های گران‌بهایی برای کسب تجربه داشته‌ام. من در پیام‌های فرشتگان اول، دوم و سوم تجربه‌ای داشته‌ام. فرشتگان چنین به تصویر کشیده می‌شوند که در میانه آسمان پرواز می‌کنند، پیامی هشداردهنده را به جهان اعلام می‌کنند و بر مردمی که در واپسین روزهای تاریخ این زمین زندگی می‌کنند تأثیر مستقیم دارند. هیچ‌کس صدای این فرشتگان را نمی‌شنود، زیرا آنان نماد قوم خدا هستند که در هماهنگی با عالم آسمان کار می‌کنند. مردان و زنانی که به وسیله روح

خدا روشن شده‌اند و به واسطه حقیقت تقدیس یافته‌اند، این سه پیام را به ترتیب اعلام می‌کنند." Life Sketches, 429.

فرشتگان نماد قوم خدا هستند که پیامی را که آن فرشته نمایندگی می‌کند، اعلان می‌کنند.

زمان کوتاه است. پیام‌های فرشتگان نخست، دوم و سوم، پیام‌هایی هستند که باید به جهان اعلام شوند. ما صدای سه فرشته را به طور تحت‌اللفظی نمی‌شنویم، بلکه این فرشتگان در کتاب مکاشفه نمایانگر قومی‌اند که بر زمین خواهند بود و این پیام‌ها را اعلام خواهند کرد.

یوحنا دید: «فرشته دیگری از آسمان فرود آمد که قدرتی عظیم داشت؛ و تمام زمین از جلال او روشن شد.» مکاشفه ۱۸:۱. آن کار صدای قوم خداست که پیامی هشداردهنده را به جهان اعلام می‌کند. مواد ۱۸۸۸، ۹۲۶.

فرشتگان نماینده کسانی هستند که پیام‌هایی را که فرشتگان نمایندگی می‌کنند، ابلاغ می‌نمایند. ویلیام میلر به گونه‌ای نبوی در تطبیقات فراوانی نمایندگی شده است. یکی از آن تطبیقات این است که میلر به وسیله نخستین و واپسین نبوت‌های زمانی‌ای که هدایت شد تا اعلان کند، نمایانده می‌شود. «هفت زمان» یا ۲,۵۲۰ سال که در ۱۷۹۸ به پایان رسید، کشف آلفای میلر بود، و تطهیر قدس در پایان ۲,۳۰۰ عصر و صباح، در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴، کشف امگای میلر بود. تاریخ میلریتی از ۱۷۹۸ تا ۱۸۴۴ نمایانده می‌شود، و هرچند تاریخ فرشته نخست و دوم بود، به نام پیام‌آور آن تاریخ خوانده می‌شود. تاریخ میلریتی تصدیق می‌کند که میلر «صدا»یی بود که پیام فرشته نخست و دوم را اعلام می‌کرد، و فرشته نخست در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ آغاز داوری را اعلان کرد، و فرشته نخست در ۱۷۹۸، در «وقت انتها»، در فرجام پراکندگی «هفت‌زمانه» پادشاهی اسرائیل، رسید. میلر نماد هر دو نبوت ۲,۵۲۰ ساله و نبوت ۲,۳۰۰ ساله است.

نخستین نشانه راه ۱۷۹۸ اعلام کرد که داوری آنگاه آغاز خواهد شد که دوره دو هزار و سیصد ساله در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ به پایان رسد. سپس خداوند نور سبت روز هفتم را مکشوف ساخت، و قصد او بر آن بود که کار را به پایان برساند؛ از این رو در سال ۱۸۵۶ کوشید تا نور بیشتری را در باب «هفت زمان» آشکار سازد، اما به جای ایمان، تمرد آشکار شد. «هفت زمان» آلفای تاریخ جنبش میلری است و دو هزار و سیصد امگای آن.

هفت زمان با سبت سال هفتم نمایانده می‌شود و دو هزار و سیصد با سبت روز هفتم نمایانده می‌شود. تاریخ جنبش میلری با سال‌های ۱۷۹۸ و ۱۸۴۴ نمایانده می‌شود، و ۱۷۹۸ نماینده هفت زمان است و ۱۸۴۴ نماینده دو هزار و سیصد سال. آن دو سبت، همچون کرانه‌های آغاز و انجام تاریخی هستند که در لاویان باب بیست و سوم نمایانده شده است. آن دو سبت بر دو پیام دلالت دارند که با هم یک پیام را تشکیل می‌دهند. آن دو پیام نماینده میلری‌ها هستند، زیرا مردمی که آن پیام‌ها را اعلام می‌کنند، نماینده فرشتگانی‌اند که نماد آن پیام‌اند. در سال ۱۷۹۸ فرشته نخستین ظاهر شد و در سال ۱۸۴۴ فرشته سوم ظاهر شد.

در باب بیست و سوم سفر لاویان، هفت عید و هفت اجتماع مقدس ذکر شده است، هرچند هر عیدی اجتماع مقدس نیست و برعکس، هر اجتماع مقدسی عید نیست. همه این اعیاد میان نخستین و آخرین اجتماع مقدس قرار می‌گیرند؛ آن نخستین، سبت روز هفتم در آغاز است و آن آخرین، سبت سال هفتم در پایان. تاریخ اعیاد به وسیله دو سبت حدگذاری شده است؛ دو سبتی که نمایانگر ویلیام میلر و پیروان میلرند.

در لاویان بیست و سه، هنگامی که بیست و دو آیه نخست و بیست و دو آیه پایانی با یکدیگر ترکیب شوند، موسم پنتیکاست مشخص می‌گردد. ساختاری که از کنار هم نهادن این آیات پدید می‌آید، مطلقاً الهی

است. موسم پنتیکاست این ساختار، سه گام سه فرشته را به روشنی می‌نمایاند. این ساختار امضای «حق» را بر خود دارد. این ساختار امضای «آلفا و اومگا» را بر خود دارد. این ساختار امضای «پالمونی» را بر خود دارد. این ساختار شاگردی را تا به قلب قدس‌الاقداص رهنمون می‌سازد. این ساختار معبد یکصد و چهل و چهار هزار را مشخص می‌کند. این ساختار تا به زمین نوآفریده امتداد می‌یابد.

این حقیقت باب بیست‌وسوم سفر لاویان، اکنون در پیوند با آزمون هیکل که بر آزمون تورنسل و آزمون سوم مقدم است، مهرش گشوده می‌شود. فرشته سوم در سال ۱۸۴۴ رسید، و سپس بار دیگر در ۱۱ سپتامبر و باز هم در ۲۰۲۳. هنگامی که فرشته سوم در ۱۸۴۴ رسید، وفاداران می‌بایست به ایمان، به پیروی از مسیح، به قدس‌الاقداص داخل شوند. باب بیست‌وسوم سفر لاویان راه ورود به قدس‌الاقداص است و نمایانگر عنصری از آزمون هیکل است. به یوحنا گفته شد که هیکل و نیز عبادت‌کنندگان درون آن را اندازه بگیرد.

صندوقچه میسر هیکل است و گوهرها عبادت‌کنندگان درون آن‌اند. انبیا ملاکی هیکل است و ده یک‌ها عبادت‌کنندگان درون آن‌اند. موسم پنتیکاست، چنان‌که در کاربست «خط بر خط» لاویان باب بیست‌وسوم بازنموده می‌شود، نمایانگر هیکل یک‌صد و چهل و چهار هزار است. به طور مستقیم‌تر، آن تابوت عهد را مجسم می‌سازد، با کروبیان سایه‌گستر که به ده فرمان، عصای هارون که شکفته بود، و سبوی زرین منّا می‌نگرند.

کروبیان پوشاننده فرشتگانی‌اند، و فرشتگان نماد پیام و پیام‌آورند. پیام آلفای باب بیست‌وسوم لاویان، سبت روز هفتم است، و پیام اُمگا، سبت سال هفتم. هر دو پیام‌اند، و همچنین همان پیام‌های آلفا و اُمگا ویلیام میسر و میلی‌ها به‌شمار می‌روند: تحقق «هفت زمان» در سال ۱۷۹۸ نماد سبت سال هفتم بود؛ و در سال ۱۸۴۴، خدا قوم خویش را به قدس‌الاقداص هدایت کرد، جایی که آنان سبت روز هفتم را کشف کردند. این دو سبت، نخستین و واپسین محفل مقدس در باب بیست‌وسوم لاویان‌اند، و موسم پنجاه میان آن دو قرار گرفته است، همان‌گونه که تابوت میان دو کروی پوشاننده قرار داشت.

هیکل باید اندازه‌گیری شود، و این امر دربرگیرنده کنار گذاشتن آن صحن است که به امت‌ها واگذار شده است. در هنگام قانون روز یکشنبه، داوری خانه خدا پایان می‌یابد و داوری امت‌ها آغاز می‌شود. زمان امت‌ها در سال ۱۷۹۸، در پایان ۱۲۶۰ سال، به سر آمد، و در پایان سه روز و نیم (نماد ۱۲۶۰)، یوحنا می‌بایست از اندازه‌گیری آن صحن صرف‌نظر کند.

و به من نی‌ای مانند عصا داده شد؛ و فرشته ایستاد و گفت: برخیز و هیکل خدا و مذبح و عبادت‌کنندگان در آن را اندازه بگیر. اما صحن بیرونی هیکل را از قلم ببنداز، و آن را اندازه بگیر؛ زیرا به امت‌ها داده شده است؛ و شهر مقدس را چهل و دو ماه پایمال خواهند کرد. مکاشفه ۱:۱۱، ۲.

صحن می‌بایست کنار نهاده شود، زیرا به غیریهودیان واگذار شده بود؛ آنان آن را به مدت سه روز و نیم، یا چهل‌ودو ماه، پایمال کردند.

و به دم شمشیر خواهند افتاد، و به اسارت به میان همه ملت‌ها برده خواهند شد؛ و اورشلیم به دست غیریهودیان پایمال خواهد شد تا وقتی که زمان‌های غیریهودیان به کمال برسد. لوقا ۲۱:۲۴.

ایام امت‌ها در سال ۱۷۹۸ به تحقق رسید، هنگامی که مهر کتاب دانیال گشوده شد.

"در هیکل اورشلیم، دیواری کوتاه صحن بیرونی را از سایر بخش‌های آن بنای مقدس جدا می‌کرد. بر این دیوار، کتیبه‌هایی به زبان‌های گوناگون بود که اعلام می‌داشت جز یهودیان، هیچ‌کس مجاز نبود از این حد بگذرد. اگر غیریهودی جسارت می‌کرد که به محوطه درونی وارد شود، هیکل را

بی‌حرمت کرده بود و کیف‌آن را با جان خود می‌پرداخت. اما عیسی، پدیدآورندهٔ هیکل و خدمت آن، غیریهودیان را با رشته شفقت انسانی به سوی خود کشید، و فیض الهی او نجاتی را که یهودیان رد کرده بودند به آنان ارزانی داشت. "آرزوی اعصار، ۱۹۴.

۳۱ دسامبر ۲۰۲۳ سه روز و نیم نبوی را که از سرخوردگی ۱۸ ژوئیهٔ ۲۰۲۰ آغاز شده بود، به پایان رسانید. آن سه سال و نیم معرف آن است که آنگاه پیامی نبوی مهرگشایی خواهد شد، و اینکه «زمان‌های امت‌ها» به انجام رسید و از اندازه‌گیری هیکل و پرستندگان درون آن کنار گذاشته شد. در هنگام قانون یکشنبه، که در موسم پنطیکاست روز پنطیکاست بود، داوری به سوی امت‌ها منتقل می‌شود. هنگامی که در اندازه‌گیری هیکل یکصد و چهل و چهار هزار، «زمان‌های امت‌ها» را کنار می‌گذاریم، می‌یابیم که بازه زمانی میان ۳۱ دسامبر ۲۰۲۳ تا قانون یکشنبه، همان هیکل است.

گواهی هیکل این است که در دو مرحله برپا می‌شود: نخست، بنیاد؛ سپس هیکل هنگامی پایان یافته شناخته می‌شود که سنگ بنیاد مردودشده به نحو شگرف سر زاویه می‌گردد. بنیاد زمانی نهاده شد که اسرائیل باستان در تاریخ فرمان نخست از بابل بیرون آمد، و هیکل در تاریخ فرمان دوم، اما پیش از فرمان سوم، به انجام رسید. آزمون بنیاد در سال ۲۰۲۴ رخ داد و اکنون ما در آزمون هیکل هستیم. آن آزمون هیکل در آزمون سوم، که همان آزمون تورنسل است، پایان می‌یابد، و آزمون هیکل ایجاب می‌کند که قوم خدا هیکل را بسنجند.

هیکل مذکور در لاویان باب بیست و سوم از ۳۱ دسامبر ۲۰۲۳ تا هنگام قانون یکشنبه برافراشته می‌گردد، و در آن تاریخ نبوتی سه آزمونی که همواره هنگام مهرگشایی یک نبوت رخ می‌دهند، بازنموده می‌شوند. آخرین آن سه، محکی است که گردهمایی اردوگاهی اکستر نمایانگر آن بود. در آن گردهمایی، یا در جلسات خیمه‌ای حاضر می‌شدید که در آن کشیش اسنو دو بار پیام فریاد حقیقی نیمه‌شب خود را ارائه کرد، یا در جلسات احساسی و نامتعادل خیمه و اترتاون شرکت می‌کردید. هنگامی که جلسات به پایان رسید، پیام فریاد حقیقی نیمه‌شب همچون موجی سهمگین جزر و مدی گسترش یافت. اکستر همان محک بود، و آن محک نمایانگر مهر شدن است.

گردهمایی اردوگاهی اکستر به وسیلهٔ ورود ظفرمندان مسیح به اورشلیم تمثیل می‌شد، و لعازر الاغی را که عیسی بر آن سوار بود رهبری می‌کرد. مرگ لعازر مایه نومیادی ۱۸ ژوئیهٔ ۲۰۲۰ بود، اما وی همچنین اوج معجزات مسیح و «مهر» الوهیت او بود.

اگر مسیح بر بالین بیمار حاضر می‌بود، لعازر نمی‌مرد؛ زیرا شیطان هیچ تسلطی بر او نمی‌یافت. مرگ در حضور بخشنده حیات نمی‌توانست تیر خود را به سوی لعازر نشانه گیرد. از این رو مسیح دوری گزید. او اجازه داد دشمن قدرت خود را به کار گیرد تا او را، چون دشمنی مغلوب، عقب براند. او اجازه داد لعازر به زیر سلطهٔ مرگ درآید؛ و خواهران سوگوار دیدند که برادرشان در گور نهاده شد. مسیح می‌دانست که چون به چهره بی‌جان برادرشان می‌نگرند، ایمانشان به فادی خویش به سختی آزموده خواهد شد. اما می‌دانست که به سبب کشاکشی که اکنون از آن می‌گذرند، ایمانشان با قدرتی بسی بیشتر خواهد درخشید. او از هر سوز اندوهی که آنان متحمل شدند، رنج برد. او ایشان را، به سبب درنگش، هیچ کمتر دوست نداشت؛ بلکه می‌دانست که برای آنان، برای لعازر، برای خویش و برای شاگردانش، پیروزی‌ای باید به دست آید.

«برای خاطر شما»، «تا ایمان آورید». برای همهٔ کسانی که دست دراز می‌کنند تا دست هدایتگر خدا را لمس کنند، لحظهٔ بزرگ‌ترین دلسردی همان زمانی است که یاری الهی از همه نزدیک‌تر است. آنان با سپاسگزاری به تاریک‌ترین بخش راه خویش باز خواهند نگرست. «خداوند می‌داند چگونه پارسایان را رهایی بخشد»، دوم پطرس ۲:۹. او آنان را از هر وسوسه و هر آزمایش با ایمانی استوارتر و تجربه‌ای غنی‌تر بیرون خواهد آورد.

در به تعویق انداختن آمدنش نزد لعازر، مسیح مقصودی رحمت‌آمیز نسبت به کسانی داشت که او را نپذیرفته بودند. او درنگ کرد تا با زنده کردن لعازر از میان مردگان به قوم سرسخت و بی‌ایمان خود گواهی دیگری بدهد که او واقعاً «رستاخیز و حیات» است. او بی‌میل بود که همه امید نسبت به قوم، آن گوسفندان فقیر و سرگردان خانه اسرائیل، را رها کند. دلش به سبب توبه‌ناپذیری آنان می‌شکست. در رحمت خود قصد کرد به آنان یک گواهی دیگر بدهد که او احیاگر است، آن یگانه‌ای که می‌تواند حیات و جاودانگی را به نور آورد. این قرار بود گواهی‌ای باشد که کاهنان نتوانند آن را سوءتعبیر کنند. این علت تأخیر او در رفتن به بیت‌عنیا بود. این معجزه نهایی، زنده کردن لعازر، قرار بود مهر خدا را بر کار او و بر ادعای الوهیتش بزند. آرزوی اعصار، ۵۲۸، ۵۲۹.

ورود ظفرمندان با گشودن بندِ الاغی تا مسیح بر آن سوار شود آغاز شد.

و چون به اورشلیم نزدیک شدند و به بیت‌فاجی، نزد کوه زیتون، رسیدند، آنگاه عیسی دو شاگرد را فرستاد و به ایشان گفت: به دهکده‌ای که در برابر شماست بروید و بی‌درنگ الاغی را بسته و کره‌اش را با او خواهید یافت؛ آنها را باز کنید و نزد من بیاورید. و اگر کسی چیزی به شما بگوید، بگویید: خداوند به آنها نیاز دارد؛ و بی‌درنگ آنها را خواهد فرستاد. و این همه بدین‌سان واقع شد تا آنچه به‌وسیله نبی گفته شده بود تحقق یابد که می‌گوید: به دختر صهیون بگویید: اینک پادشاه تو نزد تو می‌آید، فروتن، و سوار بر الاغی و بر کره‌ای، کره الاغ. و شاگردان رفتند و چنان‌که عیسی ایشان را امر فرموده بود، عمل کردند. متی ۲۱:۶-۷

پیام ندای نیمه‌شب به پیام فرشته دوم، که در نخستین ناکامی فرارسیده بود، پیوست. در زمان مسیح، آن ناکامی مرگ لعازر بود، و برای پیروان میلر، آن ناکامی پیشگویی نافرجام سال ۱۸۴۳ بود که در ۱۹ آوریل ۱۸۴۴ فرارسید. هر دو آن ناکامی‌ها نمایانگر ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ هستند.

در فصل پنتیکاست، چنان‌که در لایوان باب بیست‌وسوم بازنمایی شده است، محک لیتاموس به‌وسیله نشانه راه سه‌گانه عید شیپورها، عروج مسیح و روز کفاره نمایانده می‌شود. این سه گام، در ارتباط با دو آزمون نخست بنیاد و هیکل، نقش محک لیتاموس را دارند. این سه گام پنج روز پیش از قانون یکشنبه پنتیکاست فرا می‌رسند و نمایانگر برافراشته شدن یک‌صد و چهل و چهار هزار به‌منزله رایت‌اند. اگر از این محک لیتاموس بگذرند، برافراشته می‌شوند؛ و اگر نگذرانند، از پنجره‌های رؤیای میلر به بیرون دمیده می‌شوند.

گام سوم مهرکردن، روز کفاره است و نمایانگر محو گناه. گام دوم، برافراشتن قربانی لایوان ملاکی است و گام نخست، پیام شیپورها. از سال ۱۸۴۴ بشر در تاریخ به صدا درآمدن شیپور هفتم زیسته است. پیام خارجی شیپور هفتم، پیام وای سوم اسلام است و پیام درونی شیپور هفتم، کار مسیح در متحد ساختن الوهیت خویش با انسانیت یک‌صد و چهل و چهار هزار تن است.

در مقاله بعدی ادامه خواهیم داد.

در نوشته‌های انبیا صحنه‌هایی ترسیم شده است که، هرچند کهن‌سال و دیرین‌اند، بر ما در تازگی و قوت مکاشفات جدید ظاهر می‌گردند. به ایمان درمی‌یابیم که این گزارش‌ها از معاملات خدا با قوم خویش در اعصار گذشته محفوظ مانده‌اند تا درس‌هایی را که خدا می‌خواهد از رهگذر تجربه‌های روزگار کنونی به ما تعلیم دهد، بازشناسیم.

از آن‌جا که ما در روزگاری نه کمتر خطیر از روزگار بلافاصله پیش از مجیء ثانی مسیح می‌زییم، باید به‌ویژه مراقب باشیم تا از ارتکاب خطاهایی همانند خطاهایی که یهودیان معاصر مجیء اول مسیح مرتکب شدند، پرهیز کنیم.

همچون پیشوایان یهود که به تدریج نظامی رسمی برای پرستش سامان دادند، نظامی که در آن اهمیت امور غیراساسی به شدت بزرگ‌نمایی می‌شد، اکنون برخی افراد در خطر آن‌اند که از حقایق مهم مربوط به این نسل غافل شوند و به جست‌وجوی اموری برآیند که نو، غریب و افسونگرند.

نیاز به گرامی‌داشت اصول متعالی وجود دارد. کسانی که در پی اندیشه‌های خیالی‌افانه‌اند و آن‌ها را ترویج می‌کنند، باید پیش از آن‌که در صدد تعلیم دیگران برآیند، بیاموزند که حقیقت چیست. نظریه‌ها و پنداشت‌های انسان‌ساخته نباید به‌عنوان حقیقت مورد جست‌وجو قرار گیرند.

بسیارانی هستند که در پای‌بندی به اصول، چون فولاد راستین‌اند، و اینان مدد و برکت خواهند یافت؛ زیرا میان رواق و مذبح می‌گیرند و می‌گویند: «ای خداوند، بر قوم خویش رحمت فرما و میراث خویش را به عار مسپار.» باید بگذاریم اصول بنیادین پیام فرشته سوم به روشنی و به‌گونه‌ای متمایز جلوه‌گر شوند. ستون‌های عظیم ایمان ما هر سنگینی‌ای را که بتوان بر آنها نهاد، تاب خواهند آورد.

در این عصر خطا، خیالی‌بافی و رؤیاپردازی، باید اصول نخستین تعلیم مسیح را بیاموزیم. بکوشیم تا بتوانیم همراه با رسول بگوییم: «آنگاه که قدرت و آمدن خداوند ما عیسی مسیح را به شما اعلام کردیم، از افسانه‌های حیل‌گرانه پرداخته‌شده پیروی نکردیم.» خداوند ما را فرا می‌خواند که از اصولی بلند و شریف پیروی کنیم.

حقیقت، یعنی حقیقت زمان حاضر، همان است که کلام خدا آن را معرفی می‌کند. خداوند می‌خواهد قومش خویشتن را از هرگونه زواید، از هرآنچه به اسرارگرایی گرایش دارد، نگاه دارند. آنان که وسوسه می‌شوند به تعالیم خیالی‌پردازانه و موهوم‌پردازند، باید چاه را در معادن حقیقت آسمانی ژرف فرو برند و آن گنجی را به دست آورند که برای پذیرنده به معنای حیات جاودان است. در کلام خدا گرانبهارترین حقایق نهفته است. اینها را کسانی خواهند یافت که با جدیت به مطالعه می‌پردازند؛ زیرا فرشتگان آسمانی جست‌وجو را هدایت خواهند کرد.

با اشاره به آنان که اکنون بر زمین می‌زیند، پولس اعلام داشت: «زمانی فرا خواهد رسید که تعلیم سالم را تاب نخواهند آورد، بلکه بر حسب شهوات خویش برای خویشتن معلمان بسیار گرد خواهند آورد، زیرا گوش‌هایشان خارش دارد؛ و گوش‌های خود را از حقیقت خواهند گردانید و به افسانه‌ها روی خواهند آورد.»

چه اندازه مهم و جان‌انگیز است آن سفارش مؤکدی که پولس، آنگاه که درباره کسانی که تعلیم صحیح را برنمی‌تابند نبوت می‌کرد، داد: «پس تو را به حضور خدا و عیسی مسیح خداوند - که در ظهور خود و ملکوت خویش زندگان و مردگان را داوری خواهد کرد - ملزم می‌سازم: کلام را موعظه کن؛ در وقت و بی‌وقت مهیا باش؛ ملامت کن، توبیخ کن، نصیحت کن، با کمال بردباری و تعلیم.»

آنان که با خدا مشارکت دارند، در نور آفتاب عدالت گام برمی‌دارند. آنان با تباه کردن راه خویش در حضور خدا، رهاننده خود را بی‌حرمت نمی‌کنند. نور آسمانی بر آنان می‌تابد. هرچه به پایان تاریخ این زمین نزدیک‌تر می‌شوند، شناختشان از مسیح و از نبوت‌های مربوط به او به‌طرز چشمگیری افزون می‌گردد. آنان در نظر خدا ارزشی بی‌کران دارند، زیرا با پسر او در یگانگی‌اند. در نظر آنان کلام خدا از جمال و لطافتی برتر برخوردار است. اهمیت آن را می‌بینند. حقیقت بر آنان گشوده می‌شود. تعلیم تجسد در نظرشان با فروغی ملایم آراسته می‌شود. می‌بینند که کتاب مقدس کلیدی است که همه اسرار را می‌گشاید و همه دشواری‌ها را حل می‌کند. کسانی که نخواسته‌اند نور را بپذیرند و در نور گام بردارند، از درک راز دینداری ناتوان خواهند بود، اما آنان که در برداشتن صلیب و پیروی از عیسی درنگ نکرده‌اند، در نور خدا نور خواهند دید. نگهبان جنوبی، ۴ آوریل ۱۹۰۵

